

این قدرت برتر باید از پشتوانه‌های دیگری مثل اراده‌ی ملی و پذیرش بین‌المللی نیز برخوردار باشد. (George, 1993, p. 198-202) براساس مطالب بالا در نظریه‌ی نوواقع‌گرایی و نظریه‌های زیرمجموعه، دلایل فراوانی برای افزایش تمایل کشورهای یک منطقه‌ی ژئوپلیتیکی برای ساخت ائتلاف‌های نظامی وجود دارد. براساس اندیشه‌ی نظریه‌پردازان این حوزه نه تنها قدرت هدف نهایی در کنش‌های بین‌المللی نیست، بلکه ابزاری دوسویه است که اگر در میزان و نوع بهره‌مندی از آن افراط و یا تفریط صورت بگیرد؛ ضمن برهم خوردن موازنه قدرت، احتمال افزایش مخاطره و آسیب دیدن امنیت نیز وجود دارد.

#### ۴. عوامل موفقیت یا شکست ائتلاف‌های منطقه‌ای

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد برای انجام صحیح فرایند پژوهش حاضر نیاز است تا اقدام به شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ساخت، و یا نابودی ائتلاف‌های منطقه‌ای به‌ویژه در حوزه‌ی نظامی شود تا وزن و میزان اثرگذاری این مؤلفه‌ها در قالب تکنیک تحلیل اثرات متقاطع شناسایی و ارزیابی شود. در رابطه با عوامل موفقیت ائتلاف‌های منطقه‌ای پژوهشگران به مواردی مثل همگونی کشورهای عضو، برخورداری از مشروعیت بومی، داشتن قدرت حل و فصل منازعات داخلی، اثرگذاری کم قدرت‌های ثالث در منازعات داخلی، ناتوانی سازمان‌های بین‌المللی در حل مشکلات منطقه‌ای، تأثیری پایین از قدرت‌های فرامنطقه‌ای و... اشاره می‌کنند. آن‌ها هم‌چنین عواملی مثل مبهم بودن مفهوم منطقه، نقش اثرگذار و مخرب قدرت‌های جهانی و فرامنطقه‌ای، نبود استقلال نسبی در کشورها، تنوع و سیال بودن سازمان‌های منطقه‌ای، پایین بودن ضمانت اجرایی سازمان‌های منطقه‌ای، محدودیت‌های مالی، تجربیات شکست‌خورده‌ی پیشین، عدم فراگیری، مشکلات داخلی کشورها، نفوذ سیاسی و یا کاربرد وسایل قهرآمیز و... را در ناکامی و شکست ائتلاف‌ها مؤثر می‌دانند. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۸-۱۶۶)

#### ۵. قلمرو جغرافیایی پژوهش

قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر را به‌صورت مشخص، منطقه‌ی ژئوپلیتیکی